

**Predigt am 4. Sonntag nach Trinitatis, 5.7.2020,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Römer 12,17-21:

رومیان باب ۱۲ آیات ۱۷ الی ۲۱

۱۷ هیچکس را به عوض بدی بدی مرسانید. پیش جمیع مردم تدارک کارهای نیکو بینید.

۱۸ اگر ممکن است بقدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکوشید.

۱۹ ای محبوبان انتقام خود را مکشید بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است خداوند می‌گوید که انتقام از آن من است من جزا خواهم داد.

۲۰ پس اگر دشمن تو گرسنه باشد، او را سیر کن و اگر تشنه است، سیرایش نما زیرا اگر چنین کنی اخگرهای آتش بر سرش خواهی انباشت.

۲۱ مغلوب بدی مشو بلکه بدی را به نیکویی مغلوب ساز.

اعضای گرامی ، در کشور ما چه خبر است؟ چند روز پیش در روزنامه خواندم: "براساس ارقام وزارت کشور ، تعداد جرایم علیه شهرداران و سایر دارندگان مأموریت در NRW از سال ۲۰۱۶ دو سوم افزایش یافته است . افرادی که غالباً برای منافع مشترک داوطلب می شوند ، مورد تهاجم ، تهدید و حتی حمله بدنی قرار می گیرند. " رئیس اتحادیه شهرهای آلمان ، شهردار لایپزیگ ، بورخارد یونگ (SPD) ، گفت که به دلیل بحران کرونا ، تحریکات نیز افزایش می یابد. "متأسفانه ، افراد ناراضی ، ناراحتی و دلخوری خود را نسبت به تصمیمات سیاسی تا حدی ناآگاهانه ، به ویژه در اینترنت ابراز می کنند."

اما تنها سیاستمداران محلی این مسئله را تجربه نکرده اند . در گذشته ، ما بارها عروسک های نمایندگان دولت را در تظاهرات مشخصی آویزان کرده بودیم . امدادگران نیز در هنگام انجام وظیفه، مورد حمله قرار می گیرند. و حتی در مجالس کلیسا ، گاهی اوقات انتقاد به شکلی بیان می شود که دیگر هیچ ارتباطی با تقدیر و احترام ندارد.

آنچه در کشور ما اتفاق می افتد رئیس انجمن شهرها و شهرهای شمال راین-وستفالن ، رولان شفر ، روند کلی در تعداد روزافزون را تشخیص می دهد و می گوید: "ما شاهد بی احترامی به مسئولان و بیان احساسات هستیم. انسان دیگر به نظم و انضباط خود پایبند نیست. "

من نمی خواهم قضاوت کنم که آیا این یک روند کلی است یا خیر. همچنین اینگونه نیست که قبلاً چنین چیزی وجود نداشته است. همه ما تلاش می کنیم تا حق خود یا آنچه را که اعتقاد داریم هست را اثبات و اجرا کنیم. هنگام حمله ، خشمگین و متجاوز هستیم. هر چند وقت یک بار به دیگری مشکوک می شویم و تصور می کنیم که او نیت های بدی نسبت به ما دارد. "شر را با شر بازپرداخت نکنید. نسبت به همه به خوبی توجه داشته باشید. " و اگر واقعاً سعی کنیم در برابر جریان شنا کنیم ، پس از چند پاف هوا از بین می رود و فکر می کنیم: عشق به همه ، این برای همزیستی ما در این سیاره بسیار شگفت انگیز و مهم خواهد بود ، به نظر می رسد چنین عشقی متناسب با واقعیت دنیای ما نیست.

و این به وضوح مشاهده می شود ، اعضای گرامی ! با آنچه رسول در اینجا به عنوان خواست خدا به ما اعلام می کند ، ما از جهان خود عبور می کنیم. اما او این واقعیت خشن و مخرب را نمی پذیرد. او به صورت

گسترده با آن مقابله می کند - نه به نوبه خود خصمانه و مخرب بلکه در اقدامی برای نجات عشق. خدا می خواهد تغییر کامل در جهان ایجاد کند ، بله ، او واقعاً می خواهد آن را دوباره ایجاد کند. با عیسی مسیح او این کار را آغاز کرد و ما به عنوان مسیحیان باید با رفتار خود نشانه های خدا برای دنیای آینده خود باشیم. شاید این متناسب با دنیای ما نباشد. اما چه کسی می گوید چنین عشقی باید متناسب باشد؟ درست در ابتدای صحبت ، برای یادآوری، رسول گفته بود: " و همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیگوی پسندیده کامل خدا چیست " . این عنصر "دور از دسترس " عشق را به این جهان بیاورید تا مشخص شود که خدا تا کجا می رود!

این تنها از طریق عشقی که خودمان از خدا تجربه کرده ایم می تواند به واقعیت تبدیل شود. با حمایت و ایجاد انگیزه از این طریق ، محبت نیز به ما این امکان را می دهد که بدون عشق هیچ گاه تسلیم نمی شویم تسلیم بی عشق نمی شویم (۱) همیشه از نو شروع می شود ، (۲) پایان هر چیزی به خدا می رسد و (۳) بر همه محدوده ها غلبه می کند.

پولس نوشت: "با همه مردم صلح داشته باشید." منظور او بیشتر از این است که به یکدیگر حمله نکنیم یا نکشیم. "صلح" در کتاب مقدس به معنای روابط منظم ، سالم و دوستانه بین مردم است. این فقط درباره خانواده و دوستان نیستند که در اینجا صحبت می شود. هدف بسیار بالاتر قرار دارد: "با همه مردم" ، همچنین با کسانی که سرسختند ، با کسانی که خارج از تعادل هستند ، با کسانی که همیشه دافعه دارند و با غریبه ها. پولس خواسته های انتزاعی و نامناسب را به ما تحمیل نمی کند. او از تجربه خودش می داند که شرایط اغلب چقدر دشوار است. به همین دلیل است که او دو محدودیت را ایجاد می کند: "تا حد امکان" ، او از یک طرف می گوید: "به اندازه ای که در خود سراغ دارید" از طرف دیگر. دومی نشان می دهد که با تمام اراده خوب که من از خود نشان می دهم ممکن است شخص دیگری نخواسته باشد که با من صلح کند. در همان زمان ، رسول روشن می کند که اگر صلح حاصل نشود ، نمی تواند دینی به گردن یا به عهده ما باشد.

پولس به عشقی فکر می کند که به همه چیز ایمان دارد و امیدوار است ، بلکه همه چیز را تحمل و تحمل کند. او از عدم عشقی که به او می رسد تسلیم نمی شود. مسیری که او طی می کند ، اغلب دشوار است - پس از همه ، ما باید صلح را با یکدیگر پیدا کنیم و تمرین کنیم حتی اگر گناهکار باشیم. چگونه قرار است این کار صورت گیرد ؟ آیا نباید از ابتدا آن را یک شکست قلمداد کرد؟ لازم نیست زیرا وقتی با هوشیاری می بینم شخص دیگری که قرار است با او صلح کنم به همان اندازه من گناهکار است ، بدون توهم می توانم موضوع را برطرف کنم. من به راحتی ناامید نمی شوم ، بنابراین به سرعت تسلیم نمی شوم. من می دانم که ما زندگی را برای یکدیگر دشوار می کنیم زیرا گناهکار هستیم. فرض می کنم اگر بخواهم با دیگری صلح برقرار کنم.

اعضای عزیز ، صلح بر این بینش مبتنی است که گناه را باید از ابتدا مورد توجه قرار داد ، بلکه به درستی گناه ، آموزش می یابد و بدین ترتیب گناه از بین می رود . اینگونه است که مسیح مرا پذیرفت و همیشه با من شروع جدیدی را آغاز می کند. از تجربه چنین صلح خاصی می توانم خودم نیز صلح طلب باشم.

تا زمانی که به دیگران بی اعتماد باشم و آنها را به نیت شیطانی متهم کنم ، نمی توانم با خیر بر سر غلبه کنم. اما تصور کنید که خداوند همیشه این کار را با ما انجام می داد. او دلیل کافی برای آن داشت. واقعاً چه انتظاری می تواند داشته باشد؟ و با این حال او هر روز هدایای جدیدی به ما می دهد و امیدوار است که عشق او را برگردانیم. درمقابل این رحمت ، رسول به ما هشدار می دهد: «نسبت به همه خوب باشید.» برای دیگری آنچه را که مثبت است تصور کنید. توقع داشته باشید چیزهای خوب از رویارویی بعدی بیرون آمده و مطابق آن عمل کنید. سپس دوباره ابتکار عمل را در دست دارید. سپس شما تعیین می کنید که جلسه تحت چه نشانه ای برگزار شود. عشق ، خود را وابسته نمی کند. او در مورد بدی و خوبی کسی فکر نمی کند. او در مورد عشق خود خوب فکر می کند. شاید چیزی را که دنبالش هستی به دست دیگری بیفتد ولی عشق خلاق است و شروع تازه ای را پیدا می کند.

اکنون ممکن است برخی اعتراض کنند: ممکن است در درون خانواده این کار مؤثر باشد، شاید هم در جامعه مسیحی. اما در زندگی روزمره؟ باید در مقابل شر با شر غلبه کرد - به کجا می‌رسیم؟ آیا با شرارت با همان سطح روبرو نمی‌شوی؟ آیا این رفتار باعث تقویت شرارت شخص دیگر نمی‌شود؟ شما باید مردم را بشناسید. شما داوطلبانه تغییر نخواهید کرد. آنها رفتارهای مسیحی را ضعیف تفسیر می‌کنند و از قدرت موقعیت خود به نفع خود استفاده می‌کنند. در واقع: باید آنها را لحاظ کرد. ظاهراً پولس وقتی با این محدودیت روبرو شد، این نکته را در ذهن داشته است: "در صورت امکان (با همه مردم صلح داشته باشید)." این تنها به این معنا نیست که مواردی وجود دارد که با داشتن اراده و رفتار خوب، کسی نمی‌تواند بر دیگری پیروز شود - یعنی چون او نمی‌خواهد. مواردی نیز وجود دارد که در آن - برای افراد دیگر و به خاطر همه - فرد باید بر قانون اصرار ورزد. و خود خدا، همانطور که پولس در فصل بعد توضیح می‌دهد، قدرتهای دولتی را تنظیم کرده است که قرار است در صورت لزوم با "شمشیر" بجنگند (رومیان ۱۳:۱۴). اما به عنوان مسیحی، ما نیز در معرض چنین خشونت‌هایی در جهان قرار خواهیم گرفت. شاید با تمام عشقی که ابراز می‌کنیم، دنیای خود را به بهشت تبدیل نخواهیم کرد. اما با اعمال خود می‌توانیم عشقی را نشان دهیم که خداوند سعی در ایجاد آن دارد.

این شامل انتقام جویی از دیگری و خود نیست. برای مقابله با امر به معروف و نهی از منکر، این نیز شامل امتناع از تمایل به برقراری تعادل در مقیاس عدالت است. چنین چشم‌پوشی دشوار است. ما می‌گوییم حق باید درست بماند. برای همه واضح است که ما درست بودیم و درست رفتار کردیم. اگر نتوانستیم با دیگری بجنگیم، اگر با قاطعیت و قاطعانه با شر مخالفت نکردیم، به کدام سو خواهیم رفت؟ همه نظم خدا فرو می‌ریزد!

اما به هیچ وجه چنین نخواهد بود. اگر انتقام نگیریم، قانون را باطل یا تضعیف نمی‌کند. در عوض، این فقط توسط افرادی که حق داشتن آن را دارند اجرا می‌شود: خدا. پولس می‌نویس: "خداوند می‌گوید که انتقام از آن من است من جزا خواهم داد." او تلافی می‌کند. خدا نه تنها اجازه نمی‌دهد که بی‌عدالتی مسیر خود را طی کند بلکه مقاومت می‌کند. کسانی که عمل قضاوت را برعهده می‌گیرند و دست به انتقام جویی می‌زنند، در کارهای خداوند دخالت می‌کنند. آنها سعی می‌کنند تا با قدرت‌های خود به حکومت خدا به اصطلاح کمک کنند. اما اعتماد به قدرت و عشق به خدا چه خواهد بود؟ نه، کلیسای عزیز: عشق اختیار همه چیز را تانهایت به خدا می‌دهد. همینطور خود خداوند ما عیسی مسیح، چون او را دشنام می‌دادند، دشنام پس نمی‌داد؛ و چون عذاب می‌کشید تهدید نمی‌نمود، بلکه خویشانش را به داور عادل تسلیم کرد. " (اول پطرس ۲: ۲۳). با این وجود: پیروی از عیسی مسیح، نه تنها شامل تحمل رنج و عذاب هم می‌شود - بلکه یقین به این واقعیت است که حق ما در هیچ کجا به اندازه قدرت و اختیار خدا نیست.

حال اگر ما تا روز گذشته احیای عدالت دغدغه ما بود، باز هم از آنچه در نهایت در انجیل منظور شده است، کوتاه نمی‌آییم. از آنجا که عشق و محبت دوست ندارد کلمه انتقام را بشنود حتی اگر به آخرین داوری خداوند مربوط باشد. هر کس که آخرین حکم را فقط به عنوان روز حساب بزرگ دیده است، از این واقعیت غافل است که خدا می‌خواهد همه مردم را نجات دهد. او مردم را به کسانی که حق عشق ورزیدن دارند و کسانی که باید از آنها متنفر باشند، طبقه‌بندی نمی‌کند. به همین دلیل است که باید با همه مردم خوب باشیم و در صورت امکان با همه آرامش برقرار کنیم.

همه انسانها: دشمنان نیز در اینجا منظور شده‌اند. کتاب مقدس در این مورد بسیار هوشیارانه برخورد کرده است. زندگی ما در تقابل، تضاد منافع، مطالبات رقابتی جریان دارد. که نمی‌توان آن را دور از ذهن یا اخلاقی دانست. اما عشق این روابط را بایکدیگر پیوند نمی‌زند و آنها را به صورت داده شده و غیرقابل تغییر نمی‌پذیرد. عشق بر همه محدودیت‌ها غلبه می‌کند. با انجام این کار، به طور ناگهانی مشکلات مادی برطرف نمی‌شود. اما او به شما یک نگرش جدید نسبت به شخص دیگری که شما را دچار دشواری یا حتی خطر می‌کند می‌دهد. قبلاً در کتاب عهد عتیق این توصیه به شما داده شد: "پس اگر دشمن تو گرسنه باشد،

او را سیر کن و اگر تشنه است، سیرایش نما». شاید با کسی مشکلی داشته باشید که برایتان دردناک بوده و هنوز تمام نشده است. اما به او بگویید که شما با او خوب هستید و برای سلامتی او نگران هستید.

صحنه ای قابل توجه در تظاهرات روز دوشنبه در آنچه که در آن زمان GDR در پاییز ۱۹۸۹ انجام شد، نشان می دهد که چگونه می توان این کار را انجام داد: یک سرباز ارتش جمهوری دموکراتیک آلمان، که در حقیقت با هموطن خود که نمی داند او کیست و براو چه می گذرد، با یک زن جوان روبرو می شود. دست سرباز بر روی ماشه تفنگ بوده و روبروی مردم هدف قرار گرفته است. او قرار است که تهدید کند و با تهدید روبرو شود - هنگامی که گل رز را آن زن بیرون می آورد و آن را به آن سرباز می دهد. او نمی تواند آن را رد کند. دست او از سلاح آزاد می شود. ناگهان او در آنجا ایستاده، مبهوت، با گل رز در دست خود.

گل سرخ کاری را با شخص دیگر انجام می دهد: تجاوز را حل می کند. معمولاً هیچ کس نمی تواند به چهره کسی که یک گل را بیرون می کشد با خشونت برخورد کند. و این مانع از بروز شر می شود - با چیز خوب، با گل سرخ! کارشناسان این کار را "تنش زدایی" می نامند. این بدان معناست که نه فقط به تدریج به یک درگیری دامن نمی زنید بلکه برعکس: این درگیری ها روبه سردی می گراید، محتاط تر و در نهایت صلح آمیز. اینگونه است که شر می تواند برطرف شود. کوچکتر می شود و در بهترین حالت ناپدید می شود.

چنین گلهای رزی در زندگی روزمره ما چگونه به نظر می رسد؟ شاید بتوانیم در واکنش به اظهار نظر های تند و بالبخند ملایم، "گل سرخ" بدهیم.

یا ما می توانیم بحث حساس، و بحث و جدل های زیاد را در نطفه خفه کنیم و در عوض یکدیگر را در آغوش بکشیم. - "گل غافلگیر کننده لطیف".

به جای با عصبانیت به سمت خانه رفتن، بعد از یک بحث و جدل پر از عصبانیت: من به شما نشان می دهم! بعد از بحث، به اطرافیان نگاه کنید و بگویید: "عزیزان، در این مرحله ما با یکدیگر اختلاف داریم. ما همچنین رویکردهای بسیار متفاوتی داریم و این باعث می شود که احساسات ما در آنجا بسیار بالا رود. اما ما آن را به عنوان یک دلهره شخصی به خانه نمی آوریم." اگر چیزهایی در این میان گفته می شود می توان به عنوان یک طنز به آنها می توانید با هم بخندید، "گل سرخ نه چندان مهم" در اینجا کاربرد خوبی دارد.

همچنین می توانیم با شایستگی در مورد شایعات داغی که در همه جا پخش می شود پرس و جو کنیم: شاید این صحبت ها و شایعات طور دیگری باشد، دوباره مستقیماً از شخصی که اینجا در موردش شایعات گسترده شده پرسید؟ "این می تواند" افزایش تقابل دوستی "باشد.

اعضای عزیز، من می دانم که همه چیز آسان نیست. رفلکس های ما اغلب با ما می گذرد. اما از ما خواسته شده است که این کار را انجام دهیم: در مقابله با شر با خیر روبرو شویم. این تنها در صورتی موفق می شود که ما عیسی را در ذهن داشته باشیم و کلام او را در ذهن و قلب خود داشته باشیم. او بر مخالفت های ما با خود غلبه کرد و اعتماد ما را به سمت خود جلب کرد. او در مقابل هیچکدام از ما تسلیم نشده است، حتی در مقابل کسانی که سالهاست از دعوت او امتناع می کنند. او می خواهد همه را نجات دهد، او می خواهد کل آفرینش خود را دوباره کامل کند، حتی اگر "تلاش های رز" ما همیشه به هدف منتهی نشود. ما باید خودمان را در گیر این مسئله کرده و امید را در خود زنده کرده و خودمان را دوست داشته باشیم. آمین